

دکتر دیوید ای. دسیلوا، عبرانیان، جلسه ۹ عبرانیان ۱۰: ۱-۳۹: برای رستگاری پایدار باشید

دیوید دسیلوا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

نویسنده در طول خطبه خود به تناوب به شرح و تفسیر پرداخته است، اما بخش‌های طولانی‌تر شرح و تفسیر را به اواسط و انتهای خطبه موکول کرده است. عبرانیان ۷:۱ تا ۱۰:۱۸ بخش کاملی از شرح و تفسیر درباره کار کاهنی عیسی و اهمیت آن است. اکنون، از آیات ۱۰ و ۱۹ تا پایان خطبه، به بخش طولانی از نصایح می‌رسیم.

بخش اول این نصیحت، آیات ۱۰:۱۹ تا ۲۵، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نویسنده این نکته را برای شنوندگان خود برجسته کرده است، زیرا زبان آیات ۱۰:۱۹ تا ۲۴ به طور خاص به زبان عبرانیان ۴:۱۴ تا ۱۶ بازمی‌گردد، نصیحتی که پیش از این کلام محوری در مورد کهنات عیسی آمده است. با این کار، او اساساً قلب نصیحت خود را به شنوندگان مشخص می‌کند که به اعتراف یا اقرار امید خود به مسیح پایبند باشند و با جسارت به جامعه مسیحی نزدیک‌تر شوند، جایی که می‌توان به تخت فیض، تخت خدا، نیز نزدیک شد.

با تکرار نصایح آیات ۱۴ تا ۱۶ از باب ۴، عبرانیان آیات ۱۹ تا ۲۵، پاسخ مناسب به هدیه گرانبهای مسیح برای دسترسی به خدا را تشریح می‌کند، اما به طور خاص بر جنبه جمعی این پاسخ، یعنی اهمیت عدم ترک گردهمایی مسیحیان با هم، تمرکز می‌کند. این گردهمایی همچنین جایی است که فرد به تخت فیض نزدیک می‌شود. آیات ۲۶ تا ۳۱ از باب ۱۰، با به تصویر کشیدن عواقب وحشتناکی که در پی واکنش ناعادلانه و ناسپاسانه نادیده گرفتن یا دور انداختن هدایای گرانبهای مسیح رخ می‌دهد، از این نصایح مثبت پشتیبانی می‌کند.

این متن به طور استراتژیک، دور شدن از گروه را به عنوان یک گناه عمده تفسیر می‌کند که هیچ قربانی برای آن باقی نمانده است. در آیات 10:32 تا 39، نویسنده از شنوندگان دعوت می‌کند تا به مسیری که در گذشته با چنان شرافتی دنبال کرده بودند و تا حد زیادی هنوز هم دنبال می‌کنند، ادامه دهند و با نقل قولی از مرجع باستانی که اثرات مفید، اثرات سودمند وفادار ماندن و استوار ماندن، و همچنین اثرات مخرب عقب‌نشینی یا کناره‌گیری را تأیید می‌کند، به پایان می‌رساند. نویسنده به صراحت از شنوندگان دعوت می‌کند تا با کسانی که ایمان نشان می‌دهند و وفادار و استوار می‌مانند، همذات‌پنداری کنند، نه با کسانی که عقب‌نشینی می‌کنند.

شناسایی ایمان یا توکل به عنوان کیفیتی که منجر به حفظ جان می‌شود، نویسنده را به بسط معنا و جایگاه ایمان در فصل ۱۱ سوق می‌دهد. بنابراین، فصل معروف ایمان، ستایش در باب فضیلت پیستیس یا ایمان به طور طبیعی از نصیحت در آیات ۱۰:۱۹ تا ۳۹ سرچشمه می‌گیرد. عبرانیان ۱۲:۱ تا ۳ ستایش در باب ایمان را با نصیحتی مبتنی بر الگوی خود عیسی به پایان می‌رساند که ایمان را به کامل‌ترین و بی‌نقص‌ترین شکل ممکن نشان می‌دهد.

همچنین به سلسله‌ای از توصیه‌های مرتبط برای استقامت که در ادامه فصل ۱۲ آمده است، اشاره می‌کند. این خطبه در فصل ۱۳ با دستورالعمل‌ها و توصیه‌های اخلاقی به پایان می‌رسد که چگونگی تحقق توصیه فصل ۱۲، آیه ۲۸، یعنی اینکه مؤمنان به شکرگزاری پایبند باشند و از طریق آن خدا را به شیوه‌ای پسندیده پرستش کنند، را شرح می‌دهد. خدمت متقابل، توکل مداوم به حامی الهی، وفاداری به عیسی و عبادت، همگی جنبه‌های اساسی این تجلی شکرگزاری برای آنچه مؤمنان در تکان آخرالزمانی دریافت می‌کنند، یعنی ورود به پادشاهی تزلزل‌ناپذیر، هستند.

پس از پایان پیامی که واعظ در فصل ۵ هشدار داده بود، آیه ۱۱ طولانی و دشوار خواهد بود و اکنون حقایق را که آشکار کرده است، در مورد وضعیت شنونده به کار می‌برد. بنابراین، خواهران و برادران، از آنجا که به وسیله خون عیسی، ما جسارت ورود به اماکن مقدس را از طریق مسیر جدید و زنده‌ای که او از طریق پرده، یعنی از طریق بدن خود، برای ما گشوده است، داریم و از آنجا که کاهنی بزرگ بر خانواده خدا داریم، بیایید با قلبی راست و اطمینانی از اعتماد، پس از پاشیدن دل‌هایمان از وجدان بد و شستن بدن‌هایمان با آب پاک، به او نزدیک شویم. بیایید اعتراف امید را بی‌تزلزل نگه داریم، زیرا کسی که وعده داده قابل اعتماد است، و بیایید یکدیگر را برای فوران عشق و اعمال نیک در نظر بگیریم، و از جمع شدن با یکدیگر دست نکشیم، همانطور که عادت برخی است، بلکه یکدیگر را تشویق کنیم، و این بیشتر از هر زمان دیگری است که می‌بینید آن روز نزدیک‌تر می‌شود.

نویسنده در اینجا دو نکته اساسی را که مخاطبان اکنون دارند برجسته می‌کند. اول، برای ورود به اماکن مقدس، جسارت لازم است. دوم، یک کاهن اعظم بزرگ بر خاندان خدا باید آنها را در سفر مسیحی‌شان به جلو سوق دهد.

به آنها چیزی عطا شده است که مردمان هیچ عصر پیشینی از آن برخوردار نبوده‌اند، تقدیسی که به آنها اجازه می‌دهد نه تنها از آستانه‌های زمینی، بلکه از آستانه‌های آسمانی و قدس‌الاقداص عبور کنند و در حضور خدا بایستند. برخورداری مؤمنان از مجوز ورود به اماکن مقدس، ورود پیشین مسیح به اماکن مقدس، به ویژه به عنوان پیشگام ما، را به یاد می‌آورد. عیسی از پشت پرده عبور کرد و امید مؤمنان، ریسمانی است که آنها را به او و سرنوشتشان متصل نگه می‌دارد.

اکنون، نویسنده کشف آن راه جدید و زنده از میان پرده، راه ورود به اماکن مقدس، که قبلاً تحت عهد اول پنهان شده بود را جشن می‌گیرد، و این واقعیت را که او و جماعتش کاملاً آماده عبور از آن نیز بوده‌اند، جشن می‌گیرد. نویسنده با صحبت‌های باشکوه در مورد دسترسی آنها به خدا و جایگاهشان در خانه خدا می‌کوشد تا در میان چالش‌هایشان، اعتماد به نفس را در مؤمنان ایجاد کند و به آنها جهت‌گیری امیدوارانه‌ای بدهد. سرنوشت باشکوه آنها تا زمانی که اعتماد به نفس و جسارت لازم برای ادامه حرکت به سوی آن را داشته باشند، تضمین شده است.

با توجه به مزایایی که مؤمنان از آن برخوردارند، نویسنده از آنها می‌خواهد که به خدا نزدیک شوند. این درست نقطه مقابل عقب‌نشینی است، یعنی همان مسیر جایگزین پیش روی آنها که نویسنده از در نظر گرفتن آن توسط برخی از شنوندگان بیم دارد و می‌داند که برخی دیگر نیز با کناره‌گیری از اجتماع، شروع به اجرای آن کرده‌اند. آنها با بهره‌مندی از مزایای قربانی عیسی، خود را برای ورود به حضور مقدس خدا آماده کرده‌اند، چرا که از نظر جسم و قلب برای این رویکرد مطمئن به خدا پاک شده‌اند.

خون عیسی، به طور استعاری، قلب‌های آنها را پاشیده تا از آلودگی وجدان بد پاک شوند، که موضوع اصلی آیات ۹ تا ۱۰ آیه ۱۸ بوده است. نشانه بیرونی و قابل مشاهده این تطهیر درونی، شستن بدن‌های آنها با آب پاک است، که به احتمال زیاد اشاره‌ای به غسل تعمید است که به عنوان ورود جهانی به جامعه مسیحی عمل می‌کرد. استفاده نویسنده از زبان پاکی در این مرحله، یعنی پاشیدن آب بر قلب و شستن بدن با آب پاک، همچنین تفاوت‌ها و از این رو مرزهای بین کسانی که در داخل گروه مسیحی هستند و کسانی که در خارج از آن هستند و با اعمال مرده‌ای که مشخصه زندگی آنهاست، آلوده باقی می‌مانند را تقویت می‌کند.

مؤمنان، به عنوان افرادی که با این فرآیند منحصر به فرد تطهیر و تقدیس، متمایز شده‌اند، دیگر با همسایگان خود یکسان نیستند، بلکه توسط خود خدا از همسایگان خود متمایز شده‌اند. و این بسیار به نفع آنهاست، مهم نیست که همسایگان‌شان چقدر تلاش کنند تا آنها را به گونه‌ای دیگر احساس کنند. نزدیک

شدن، مسلماً پیشنهادی مبهم برای یک مسیر عملی است، اما حداقل به شنوندگان کمک می‌کند تا به جای قطع سفرشان، در جامعه مسیحی باقی بمانند و به حرکت به سمت هدف زیارت مسیحی خود ادامه دهند.

نویسنده همچنین بار دیگر شنوندگان را فرا می‌خواند تا اعتراف به امید را بی‌تزلزل نگه دارند، همانطور که قبلاً در آیه ۳، آیه ۶ و آیه ۴، آیه ۱۴ انجام داده بود. تکرار این آیه، اهمیت این توصیه را برای پایبندی به اعتقادات و انتظارات اصلی فرهنگ مسیحی و همچنین پایبندی به اعتراف عمومی این امید بدون تزلزل، به ویژه از طریق ارتباط مداوم و آشکار با گروه مسیحی و از طریق سرمایه‌گذاری مداوم از سوی هر عضو بر یکدیگر، نشان می‌دهد. منطقی که واعظ در اینجا برای پایبندی ارائه می‌دهد، وفاداری یا قابل اعتماد بودن خداوند، کسی که وعده داده است، است.

البته این موضوع تا به اینجا موضوع اصلی موعظه بوده است، از عدم تشخیص و احترام نسل خروج به اعتبار خدا، که در فصل ۳ به آن پرداخته شده است، تا تضمین‌های خدا به ابراهیم برای کمک به اعتماد او که در فصل ۶ ذکر شده است، و تضمین‌های خدا به مخاطبان واعظ برای تقویت اعتماد خودشان در فصل‌های ۶ تا ۸، به ویژه سوگند خدا در مورد کهنات ابدی عیسی و کلام خدا در مورد عهد جدید در ارمیا که عیسی آن را آغاز کرد. نمونه نسل بیابان به ویژه شنوندگان را آماده کرده است تا از تشخیص اعتبار ۳۱ کسی که وعده داده است، غافل نشوند. نویسنده علاوه بر اعتقاد درونی و شهادت عمومی در مورد امیدی که عیسی برای آنها به ارمغان آورده است، بر سرمایه‌گذاری و توجه روزافزون به سایر مسیحیان تأکید می‌کند تا آنها را در سفر رو به جلوییشان در برابر جریان خصومت جهان یاری کند.

آیه NRSV، در این بخش از متن، خوانندگان اکثر ترجمه‌های انگلیسی با مشکلی مواجه می‌شوند. برای مثال از فصل ۱۰ را اینگونه ترجمه می‌کند: بیایید در نظر بگیریم که چگونه یکدیگر را به عشق و اعمال نیک ۲۴ را نیز به همین ترتیب مقایسه کرد NRSVUE و حتی نسخه به‌روز شده NIV، RSV تحریک کنیم. می‌توان

در این مرحله، یونانی فقط به ما می‌گوید، بیایید تا انفجاری از عشق و اعمال نیک، به یکدیگر توجه کنیم. هدف از توجه به دیگری، فهمیدن چگونگی وادار کردن دیگری به ابراز عشق و فداکاری بیشتر در اعمال یافت می‌شود، مستلزم وارد کردن ایده چگونگی NRSV یا NIV مهربانی نیست. این نوع ترجمه، مانند آنچه در ایجاد انگیزه در متن بین «بیایید به یکدیگر توجه کنیم» و «یکدیگر» است.

است. بیایید به تأمل ادامه دهیم. بیایید به مشاهده و kata naomen با این حال، تنها فعل در زبان یونانی توجه به یکدیگر ادامه دهیم.

یکی دیگر «مفعول این فعل است و پاروکسیسم یا فوران عشق و اعمال نیک، هدف یا نتیجه عمل است» نویسنده از هر مسیحی می‌خواهد که به شاگردان دیگر خود توجه کند، به آنها، به مبارزاتشان، به چالش‌هایشان نگاه کند و واقعاً آنها را با توجه به نتیجه سرمایه‌گذاری روی آنها ببیند. این نوع نگاه، زادگاه مراقبت است که به نوبه خود منجر به عمل هدفمند برای کمک به دیگری در تحمل بار خود و سهیم شدن در خیری می‌شود که خدا برای او یا برای او می‌خواهد.

بنابراین، ترجمه بهتر، در حالت معادل تا حدودی کاربردی، این خواهد بود که «بیایید به نگاه کردن ادامه دهیم»، واقعاً به یکدیگر نگاه کنیم تا بیشتر یکدیگر را دوست داشته باشیم و برای یکدیگر نیکی کنیم. این با توصیه‌های نویسنده در سراسر عبرانیان برای ایجاد نوعی روابط و ساختارهای حمایتی در جامعه مسیحی مرتبط است که تحمل بی‌اعتنایی و خصومت از بیرون را ممکن می‌سازد، حتی ترجیحاً، به جای اینکه از عشق و رفاقت و احترام متقابل موجود در کلیسا دست بکشیم. عبرانیان ۱۰ آیه ۲۵ این نکته را تقویت می‌کند و با استفاده از تضاد، مسیر اشتباه را در مقابل مسیر سودمند قرار می‌دهد، یعنی نه ترک جمع شدن با یکدیگر، بلکه تشویق یکدیگر.

اکنون، نویسنده می‌داند که برخی، شاید تعداد بسیار کمی از اعضای جماعت، شروع به کناره‌گیری کرده‌اند. با این حال، چنین کناره‌گیری‌ای برخلاف هرگونه حس قدردانی است، که شامل اعلام آشکار بدهی خود به دهنده و ستایش عمومی از نیکوکاری است که هدایای بزرگی داده است. کناره‌گیری این تعداد اندک، کسانی را که باقی مانده‌اند نیز دلسرد می‌کند و عزم آنها را برای حفظ امید پرهزینه‌شان سست می‌کند.

همچنین منابع کلی گروه را برای کمک به یکدیگر در استقامت کاهش می‌دهد. به جای عقب‌نشینی، از آنها خواسته می‌شود که در تشویق یکدیگر به پایداری و صرف انرژی و منابع بیشتر و بیشتر برای یکدیگر، رکت‌ر باشند. نویسنده در اینجا دوباره به طور استراتژیک بعد آخرالزمانی اعتراف آنها را به آنها یادآوری می‌کند.

روز، روز ظهور مجدد مسیح، روز داوری خدا، هر لحظه نزدیک‌تر می‌شود. همچنان که عقربه‌های آخرالزمان به حرکت خود ادامه می‌دهند، مؤمن باید شور و اشتیاقش بیشتر شود، نه کمتر، زیرا این روز پاداشی برای مؤمنان خواهد بود؛ تأمل در نزدیکی آن باید به حفظ پشتکار، تعهد و سرمایه‌گذاری در این فاصله کمک کند. همچنین، همانطور که در ادامه متن، یکی از جدی‌ترین هشدارهایی که نویسنده ارائه خواهد داد، مطرح می‌شود، این روز، روز مجازات نیز خواهد بود.

نویسنده با در نظر گرفتن مسیر جایگزین، بازگشت به سبک زندگی مورد تایید همسایگان بی‌ایمان و کناره‌گیری از معاشرت‌های آشکار با جامعه مسیحی، از نصیحت مثبت خود پشتیبانی می‌کند. واعظ این کار را با زبانی انجام می‌دهد که به شدت یادآور آیات ۴ تا ۸ از باب ۶ کتاب عبرانیان است. او این روش عمل را به عنوان نشان دادن ناسپاسی شدید محکوم می‌کند، که در نهایت نامطلوب است زیرا هم به ننگ ابدی و هم به سرنوشتی بدتر از مرگ منجر می‌شود. زیرا اگر پس از دریافت دانش حقیقت، عمداً به گناه ادامه دهیم، دیگر قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند، بلکه انتظار ترسناکی از داوری و آتشی پرشور باقی می‌ماند که در آستانه سوختن مخالفان است.

هر که شریعت موسی را زیر پا نهد، به گواهی دو یا سه شاهد، بدون ترجمه کشته می‌شود. چه مجازات بدتری در انتظار کسانی خواهد بود که پسر خدا را پایمال می‌کنند و خون عهدی را که به وسیله آن تقدیس شده‌اند، ناپاک می‌شمارند و به روح فیض بی‌احترامی می‌کنند؟ زیرا ما کسی را می‌شناسیم که گفت: انتقام از آن من است. من تلافی خواهم کرد.

و باز هم، خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد. افتادن به دست خدای زنده چیز ترسناکی است. منظور نویسنده از گناه در این عبارت، اگر عمداً به گناه ادامه دهیم، در فصل ۱۰، آیات ۲۴ و ۲۵ آمده است.

این اشاره‌ای کلی به گناهان مداومی نیست که مؤمن ممکن است با آنها دست و پنجه نرم کند، بلکه به طور خاص‌تر، اشاره‌ای به اعمال کسانی است که با وجود دانستن حقیقت نجات و امیدی که خداوند فراهم می‌کند، با این حال مزایای موقت پنهان کردن یا ترک ارتباط خود با جامعه ایمانداران و با مسیح را انتخاب می‌کنند. چنین افرادی دوستی گناهکاران و لذت موقت از پذیرش در میان گناهکاران را به سختی‌هایی که قوم خدا باید در این دنیا به دلیل خصومت گناهکاران تحمل کنند، ترجیح می‌دهند. وقتی نویسنده می‌گوید اگر ما عمداً یا آگاهانه به گناه ادامه دهیم، او به تمایزی که در تورات، به ویژه در اعداد فصل ۱۹، آیات ۲۲ تا ۳۱ بین گناهانی که به طور غیرعمدی انجام شده‌اند و برای آنها قربانی‌های مقرر شده وجود دارد و گناهانی که متکبرانه یا با دست بالا انجام شده‌اند و فقط مجازات دارند، اشاره می‌کند.

اخلاق‌گرایان یونانی-رومی نیز خطای عمدی را محکوم کرده و آن را سزاوار مجازات شدیدتر می‌دانند. واعظ ادعا می‌کند که جدایی از جامعه مسیحی، انتخابی داوطلبانه و از روی اراده است، نه اجباری از بیرون. به فرد

جدا شده یا مؤمن بزدل اجازه داده نمی‌شود که با پنهان کردن ارتباط خود با عیسی، خیالش راحت شود که تسلیم ضرورت عملی شده است.

چنین مسیری همچنان نقض داوطلبانه و عمدی یک پیمان، قانون جهانی عادل و سپاسگزار بودن نسبت به نیکوکاران است. وقتی نویسنده در اینجا می‌گوید که دیگر قربانی برای گناهان باقی نمانده است، زبانی را تکرار می‌کند که چند آیه قبل‌تر در فصل ۱۰، آیه ۱۸ از آن استفاده کرده بود. در آنجا، تأیید اینکه دیگر قربانی برای گناهان باقی نمانده است، گواهی بر بخشش قاطع و تطهیر وجدان ارائه شده توسط عیسی بود.

با این حال، اکنون از همان زبان برای تأکید بر اهمیت حفظ آن رابطه با خدا از طریق عیسی پس از شکل‌گیری آن استفاده می‌شود. این نه تنها به دلیل ماهیت یک‌بار برای همیشه قربانی شدن خود توسط عیسی، قربانی‌ای که دیگر تکرار نخواهد شد، بلکه به دلیل بی‌حرمتی بزرگی است که به خدا و به عیسی واسطه، و به خود خون عیسی، توسط شخصی که فکر می‌کند چنین هدایایی و چنین رابطه‌ای ارزش حفظ آن را ندارد، داده می‌شود. تنها چیزی که برای چنین افرادی باقی می‌ماند، داوری خدا، انتظار آتش مشتاقی است که در آستانه سوختن مخالفان است، همانطور که نویسنده در آیه ۲۷ بیان می‌کند.

نویسنده از زبان اشعیا ۲۶، آیه ۱۱ استفاده می‌کند، جایی که می‌خوانیم حسادت، افراد بی‌سواد را فرا خواهد گرفت و آتش، دشمنان را خواهد خورد. اما نویسنده ما این زبان کتاب مقدس را برای تشدید تصویر، بسط داده است. اکنون حسود، خود آتش را به عنوان آتشی غیور توصیف می‌کند.

با مصدر به جای فعل آینده mellow عواقب این امر، به دلیل استفاده نویسنده از فعل یونانی قریب‌الوقوع‌تر جلوه داده شده است، آتشی آتشین که در آستانه‌ی سوختن دشمنان است، آتشی که در شرف سوختن دشمنان است. کسانی که از مسیر عملی پیشنهادی نویسنده سر باز می‌زنند، بیایید به آن نزدیک شویم، آنگاه خود را با چشم‌انداز شوم داوری، واقعیتی قریب‌الوقوع، روبرو می‌یابیم که شدت آن با استدلال کوچک‌تر به بزرگ‌تر که نویسنده در آیات ۲۸ و ۲۹ به آن می‌پردازد، افزایش می‌یابد. مورد کوچک‌تر در این استدلال از تثنیه ۱۷، آیه ۶ می‌آید، جایی که نقض عمدی عهد موسی منجر به اعدام بر اساس شهادت دو یا سه شاهد می‌شد.

فرضیه ناگفته در این استدلال این است که عیسی شایسته احترام بیشتری نسبت به موسی است، فرضیه‌ای که خیلی زود در عبرانیان، فصل ۳، آیات ۱ تا ۶، مطرح شده بود. نتیجه‌گیری نویسنده، که به شکل یک سوال بیان شده است، مجازات به نسبت بیشتری را برای نقض عمدی پیوند جدید بین عیسی و مؤمنان در نظر می‌گیرد و در آن صورت سرنوشتی بدتر از مرگ را القا می‌کند. نویسنده، دور شدن از تعهد محکم به گروه را با صریح‌ترین عبارات ارائه می‌دهد تا چنین عملی را چنان وحشتناک جلوه دهد که غیرقابل تصور باشد. گویی او می‌گوید، اگر برای پذیرش همسایه خود بیش از لطف خدا ارزش قائل هستید، ببینید واقعاً چه می‌کنید اگر از گروه کناره‌گیری کنید.

این مسیر به عنوان یک حمله سه‌گانه به شرافت خداوند به تصویر کشیده شده است، به ویژه شنیع به این دلیل که چنین حمله‌ای رابطه حامی-پیرو را نقض می‌کند و نه قدردانی، بلکه توهینی به ولی نعمت الهی است اول، مرتد کسی است که پسر خدا را پایمال کرده است. یادآوری اینکه عنوان عیسی پسر خداست، که در سراسر خطبه ظاهر شده است، هم گستاخی این توهین را تشدید می‌کند و هم این توهین را در چارچوب شرافت خود خداوند و از این رو، عزم فرضی خداوند برای جلب رضایت متخلفان قرار می‌دهد.

همچنین این تصویری به طرز چشمگیری طعنه‌آمیز و نامناسب است که برای واداشتن شنوندگان به خودداری از انجام چنین توهینی طراحی شده است. در واقع، کسی که اکنون ممکن است مورد تحقیر قرار گیرد و بدین ترتیب پایمال شود، کسی است که به زودی تمام دشمنانش به زیر پاهایش برده خواهند شد.

همانطور که نویسندگان در عبرانیان ۱:۱۳ و ۱۰:۱۳ اظهار داشته است. دوم، شخصی که منحرف می‌شود خون عهده‌ی را که با آن تقدیس شده است، بی‌حرمت دانسته است، عهده‌ی که به واسطه آن مؤمنان به طور قطعی و با چنین هزینه‌ای به خاطر عیسی به نمایندگی از آنها، به لطف الهی بازگردانده شدند. در نهایت کسی که تصمیم می‌گیرد مزایای واسطه، که بزرگترین آن دسترسی به خدا به عنوان حامی است، ارزش کافی برای تحمل سوءاستفاده و تحقیر جامعه را ندارد، در صورت رویگردانی از گروه مسیحی و در نتیجه بی‌حرمتی به روح فیض، در ملاء عام بر این بی‌ارزشی شهادت می‌دهد.

تضاد بین تکبر و ریا، بین توهین یا تحقیر و لطف یا مهربانی، نمی‌توانست از این چشمگیرتر باشد. در واقع مواجهه با لطف و وعده‌ی احسان با توهین، همزمان بسیار نامناسب و به طرز غیرقابل توصیفی احمقانه است. بنابراین، عدم پشتکار به خودی خود شرم‌آور است زیرا ناسپاسی، پست‌ترین ردیلت، را به نمایش می‌گذارد، اما شدیدترین عواقب را نیز به همراه دارد.

هر چقدر هم که مزایای حاصل از وساطت پرهزینه عیسی عظیم باشد، ضرری که از نادیده گرفتن لطف عیسی و لطف خدا ناشی می‌شود، بسیار عظیم است. این اعتقاد که ناسپاس، و حتی بیشتر از آن، کسی که در ازای لطف، توهین را پاسخ می‌دهد، مستحق مجازات است، در قرن اول امری عادی بود. به چالش کشیدن عزت خدا و پسر منجر به این می‌شود که خدا در مجازات مجرم، از عزت آنها دفاع کند.

بزرگنمایی بزرگی خطاً قطعاً نتیجه‌ی این توصیف سه‌گانه‌ی اتهام در فصل ۱۰، آیه ۲۹، و این پیشنهاد است، که چنین بی‌احترامی‌ای نمی‌تواند مجازات مناسبی داشته باشد. نویسندگان با نقل‌هایی از تثنیه ۳۲، سرود موسی از قطعیت چنین مجازاتی پشتیبانی می‌کند. موضوع اصلی تثنیه ۳۲ این واقعیت است که خداوند از تجاوز به شرافت خود انتقام می‌گیرد، و بنابراین در عبرانیان ۱۰، آیات ۳۰ و ۳۱ می‌خوانیم: زیرا ما کسی را که گفت انتقام از آن من است، من تلافی خواهم کرد، می‌شناسیم.

و دوباره، خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد. انتقام از آن من است؛ من آن را به عنوان تلاوتی از تثنیه آیه ۳۵، با تلفیق قرائت‌های عبری و یونانی از آیه، تلافی خواهم کرد. در متن اصلی خود، این وعده‌ای از ۳۲، جانب خدا برای تبریته قوم خود پس از پایمال شدن توسط دشمنانشان بود.

با این حال، در اینجا به هشدار خطاب به قوم خدا تبدیل می‌شود. آیه بعدی، «خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد»، از آیه بعدی، تثنیه ۳۲، آیه ۳۶ گرفته شده است. باز هم، در متن اصلی خود، مفهوم این است که خداوند قرار است قوم خود را تبریته کند.

متن کامل آیه به زبان عبری این است: «خداوند قوم خود را تبریته خواهد کرد و بر آنها رحم خواهد نمود». با این حال، فعل عبری برای تبریته کردن، در ترجمه یونانی تثنیه، به «داور» ترجمه شده است. در حالی که فعل می‌تواند به معنای تبریته کردن نیز باشد، این ترجمه این امکان را فراهم می‌کند که آیه را krinane یونانی همانطور که نویسندگان ما انجام داده است، به عنوان هشدار در مورد داوری قریب‌الوقوع خدا بر قوم خودش بخوانیم.

این نتیجه‌گیری برای شنوندگان این نکته را تقویت می‌کند که خطر نهایی که با آن مواجه هستند، مواجهه با خدا به عنوان داور است، نه ادامه‌ی تحمل آزار و اذیت و طرد همسایگان‌شان، زیرا در واقع، افتادن در دستان خدای زنده چیزی ترسناک است. همانطور که نویسندگان پیش از این در این خطبه بین توسل به ترس و توسل به اعتماد به نفس جابجا شده است، اکنون نیز هشدار ترسناک ۱۰:۲۶-۱۰:۳۱ را با ملاحظاتی دنبال می‌کند که در صورت ادامه‌ی سخنان مخاطبان، منجر به اعتماد به نفس خواهد شد. روزهای گذشته را به یاد آورید که در آن، پس از روشن شدن، رنج‌های زیادی را تحمل کردید، تا حدی به وسیله‌ی سرزنش‌ها و آزمایش‌ها به نمایش گذاشته شدید و تا حدی خود را شریک کسانی کردید که با آنها چنین رفتار شد.

زیرا شما با زندانیان همدردی می‌کردید و با شادی تصرف اموال خود را پذیرفتید، زیرا می‌دانستید که دارایی‌های بهتر و پایدارتری دارید. توسل به دستاوردهای گذشته یک گروه اغلب مبنایی برای تشویق به تلاش‌های آینده بود. به عنوان مثال، در اوج داستان آگریکولا اثر تاسیتوس، سردار رومی نیروهای خود را با این کلمات گرد هم می‌آورد: راه درازی که پیموده‌ایم، جنگل‌هایی که از میان آنها عبور کرده‌ایم، مصب‌هایی که از آنها عبور کرده‌ایم، همه به اعتبار و افتخار ما می‌افزایند، مادامی که چشمانمان به جلو باشد.

برای تشویق شما، نمونه‌هایی از ارتش‌های دیگر را نقل می‌کنم. در شرایط فعلی، فقط کافی است افتخارات جنگی خودتان را به یاد بیاورید، فقط چشمان خودتان را زیر سوال ببرید. تأثیر بلاغی چنین سخنرانی سه برابر است.

اولاً، این فراخوان حس اعتماد به نفس را القا می‌کند و تأیید می‌کند که همانطور که گروه در انجام آنچه قبلاً لازم بود موفق شد، منابع و استقامت لازم برای موفقیت دوباره را نیز خواهد داشت. ثانیاً، تمایلی به رها کردن کاری که قبلاً در آن سرمایه‌گذاری زیادی شده است، وجود ندارد. ثالثاً، ژنرال حس ترس را در شنوندگان القا می‌کند، مبادا دستاوردها و افتخارات قبلی با عدم اقدام و پشتکار در زمان حال خدشه‌دار شود.

نویسنده‌ی عبرانیان، با جلب توجه مخاطب به استقامت و عمل وفادارانه‌ی پیشین آنها، از قدرت سه‌گانه‌ی این ابزار بلاغی بهره می‌برد. ما پیش از این، این متن را در بخش مقدماتی از منظر تجربه‌ی واقعی گذشته‌ی این جامعه بررسی کرده‌ایم. در اینجا، تنها لازم است به کاربرد بلاغی بخشی که نویسنده آن را مطرح می‌کند، بپردازیم.

این نمونه‌ای خیره‌کننده از وفاداری است که خداوند آن را ارج می‌نهد و پاداش می‌دهد. این شاهی است بر اینکه مخاطبان واقعاً می‌توانند استقامت کنند، همانطور که قبلاً ظرفیت خود را برای وفاداری در مواجهه با خصومت ثابت کرده‌اند. دو عنصر از این متن شایسته توجه ویژه است.

وقتی نویسنده می‌نویسد، شما متحمل رنج‌های زیادی شدید؛ او تجربه قبلی شنونده از بی‌آبرویی و سوءاستفاده، تجربه‌ای که در ابتدا به حاشیه رانده شدن او را رقم زد، نه به عنوان یک تجربه ناگوار قربانی شدن، بلکه به عنوان یک رقابت بزرگ تفسیر می‌کند. او با استفاده از تصاویر ورزشی، تجربه بی‌آبرویی و به حاشیه رانده شدن را به رقابتی برای افتخار تبدیل می‌کند، رقابتی که با ادامه مبارزه به دست می‌آید، نه با تسلیم شدن تحت فشار. چنین استعاره‌های ورزشی در ادبیات فرهنگ‌های اقلیت آن دوره رایج است، چه متون فلسفی یونانی-رومی، چه متون یهودی یا متون اولیه مسیحی.

و این استعاره‌ها وسیله‌ای برای واژگون کردن، یا حتی وارونه کردن، پیامی هستند که بیگانگان می‌خواهند از طریق مخالفت و خصومت خود منتقل کنند. نویسنده در فصل ۱۲، آیات ۱ تا ۴، به تفصیل بیشتری به این حوزه از استعاره‌ها باز خواهد گشت. در آنجا، شنوندگان ترغیب می‌شوند که زندگی خود را در این جهان به عنوان مبارزه‌ای علیه گناه و علیه گناهکاران، تلاشی برای دستیابی به جایزه پیروزی، امیدی که پیش روی آنهاست، در معرض دید ساده بسیاری از کسانی که در طول تاریخ مقدس شجاعانه و با موفقیت مبارزه کرده‌اند، ببینند. من در اینجا از ابر شاهدان صحبت می‌کنم، که شاید بهتر باشد آن را به عنوان ابر تماشاگرانی ترجمه کنیم که نویسنده در نمایش نمونه‌های ایمان خود در فصل ۱۱ خلق می‌کند.

برای تأیید چنین ابری از تماشاگران است که شنوندگان ترغیب می‌شوند که به جای تسلیم شدن، با دشمنان خود، یعنی همسایگان متخاصم خود، مبارزه کنند. نویسنده همچنین در اینجا به تجربه‌ای اشاره می‌کند که حداقل برخی از مؤمنان از تصرف اموالشان رنج برده‌اند و به یاد می‌آورند که چگونه این امر را با شادی

پذیرفته‌اند، زیرا می‌دانند که صاحب کالاهای بزرگتر و ماندگارتری هستند. دارایی‌هایی که متعلق به قلمرو مرئی زمینی هستند، ارزش کمتری نسبت به دارایی‌هایی دارند که در قلمرو آسمانی ارائه می‌شوند، دقیقاً به این دلیل که فقط قلمرو آسمانی از حذف آخرالزمانی چیزهایی که می‌توانند متزلزل شوند، باقی می‌ماند یا زنده می‌ماند.

همانطور که نویسنده در فصل ۱، آیات ۱۰ تا ۱۲ اشاره کرده است، و دوباره به صراحت در فصل ۱۲، آیات ۲۶ تا ۲۸ مطرح خواهد کرد. دارایی‌های دنیوی فقط افتخار و لذت موقت را به ارمغان می‌آورند بنابراین، از مؤمنان خواسته شده است که دل‌های خود را به ثروت بهتر و پایدار که برای آنها در شهر پایدار و جاودانشان ذخیره شده است، معطوف کنند.

نویسنده اعمال و تعهدات گذشته‌ی مخاطبان، اعمال شجاعانه و سخاوتمندانه‌ی پیشین آنها نسبت به یکدیگر را به دلایلی برای ستایش و عزت نفس تبدیل می‌کند تا آنها را به ادامه‌ی همان مسیر عمل سوق دهد. بنابراین نویسنده در آیات ۳۵ و ۳۶ به آنها توصیه می‌کند: جسارت خود را که پاداش بزرگی دارد، از دست ندهید، زیرا شما به استقامت نیاز دارید تا پس از انجام اراده‌ی خدا، وعده را دریافت کنید.

می‌گویند، در سراسر موعظه موضوعی بوده است. از یک سو، این parrhesia جسارت، که در یونانی به آن موعظه از اعتماد مخاطبان به دسترسی آزاد به خدا از طریق مسیح سخن می‌گوید. کسانی که اکنون نسبت به پسر بی‌وفایی و بی‌احترامی نشان می‌دهند، قطعاً در معرض خطر کنار گذاشتن این جسارت هستند.

همچنین، به شیوه‌ای مکمل، به ابراز آشکار امید مخاطبان اشاره دارد که در تحمل تکنیک‌های شرم‌آور جامعه منعکس می‌شود، جسارتی که حتی به معاشرت آشکار آنها با کسانی که جامعه‌شان آنها را به خاطر تکنیک‌های کنترل انحرافشان بیشتر از همه متمایز می‌کرد، گسترش یافت. پس از روشن شدن، آنها آشکارا و با اطمینان در انتظار عمومی اهمیت هدایایی را که از طریق مسیح از خدا دریافت کرده بودند و خیراتی را که هنوز به آنها امیدوار بودند، نشان دادند. ادامه دادن به نشان دادن جسارت در مواجهه با عدم تایید همسایه‌شان، به معنای حفظ جسارتی است که در رابطه با نزدیک شدن مطمئن به خدا و ورود به حضور خدا در آخرالزمان دارند.

نویسنده بدین وسیله، استقامت، عزم راسخ و شجاعت را در مواجهه با مخالفت و فقدان تشویق می‌کند تا مخاطبان واقعاً بتوانند به پاداشی که آنها نیز در آن سرمایه‌گذاری زیادی کرده‌اند، دست یابند. نویسنده در اینجا طوری صحبت می‌کند که گویی بخش بزرگتر سرمایه‌گذاری که باید انجام شود، از قبل پشت سر گذاشته شده است. آنها اراده خدا را انجام داده‌اند و اکنون باید تا دریافت پاداش خود، مقاومت کنند.

نزدیکی پاداش و بنابراین، مدت زمان کوتاه باقی مانده در این مسابقه، از ویژگی‌های مهم استراتژی نویسنده در سراسر کتاب است. در اینجا، در عبرانیان ۱۰، آیات ۳۷ و ۳۸، نویسنده با استفاده از زبان کتاب مقدس تأکید می‌کند که زمان باقی مانده قبل از ورود به پاداش آنها بسیار کوتاه شده است. این برداشت با رژه طولانی قهرمانان ایمان در عبرانیان ۱۱ تقویت می‌شود و به شنوندگان یادآوری می‌کند که این مسابقه چه مدت در جریان بوده و آنها تا چه اندازه در فهرست‌ها وارد شده‌اند.

همانطور که در آیات ۳۷ و ۳۸ می‌خوانیم، زیرا اندک زمانی دیگر، آن آینده خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. و عادل من بر اساس ایمان زیست خواهد کرد، و اگر او عقب‌نشینی کند، جان من از او لذت نخواهد برد. نویسنده در این متن به نوعی گردآوری اخلاقانه از کتاب مقدس دست زده است. اولاً، او این عبارت را در مدت زمان بسیار کوتاهی از اشعیا ۲۶، آیه ۲۰ قرض می‌گیرد تا حس قریب‌الوقوع بودن روز پاداش و داوری را تشدید کند.

در متن اصلی خود، این کلمات از مدت زمانی صحبت می‌کنند که به قوم خدا دستور داده می‌شود تا در، اتاق‌های خود پنهان شوند تا زمانی که مجازات ساکنان زمین توسط خدا به پایان برسد. در این متن جدید این کلمات بر نزدیکی دیدار قریب‌الوقوع خدا یا مسیح تأکید می‌کنند و حفظ تعهد را برای مدت کوتاهی بیشتر تسهیل می‌کنند. همچنین برای شنوندگان این حس را تقویت می‌کند که در آستانه آن میراث هستند، درست همان جایی که نسل بیابان بود که متزلزل شد و برای همیشه به الگوی از بی‌اعتمادی و نافرمانی فرومایه تبدیل شد.

ادامه‌ی این متن، بازنویسی اساسی آیات ۳ و ۴ از باب دوم کتاب حبقوق است و در واقع می‌توان کمی پیشرفت از متن عبری حبقوق به ترجمه‌ی هفتادگانی حبقوق و سپس به نوعی نسخه‌ی بازنویسی شده که نویسنده‌ی عبری ارائه می‌دهد، مشاهده کرد که مطالب کتاب مقدس را حتی برای نیازهای روحانی زمانه‌ی خود مناسب‌تر می‌کند. در کتاب مقدس عبری، آیات ۳ و ۴ از باب دوم کتاب حبقوق آمده است: «رؤیایی برای زمان مقرر وجود دارد. این رؤیا از پایان سخن می‌گوید و دروغ نمی‌گوید».

اگر به نظر می‌رسد که تأخیر می‌کند، منتظرش باش. مطمئناً خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد. به غرور نگاه کن.

روح آنها در آنها درست نیست، اما شخص درستکار به ایمان زندگی می‌کند. اگر این را در نسخه سپتواجینت، ترجمه یونانی حبقوق ۲، ۳، بخوانیم، تفاوت‌های قابل توجهی خواهیم یافت. هنوز رؤیایی برای پایان وجود دارد و سرانجام آشکار خواهد شد و بیهوده هم نخواهد بود.

اگر آن یا او تأخیر کند، منتظر آن یا او باش، زیرا آن که می‌آید خواهد رسید و تأخیر نخواهد کرد. در یونانی که به رؤیا اشاره دارد، خواند یا به صورت it، ابهام خاصی در ضمائر وجود دارد که آیا باید آن را به صورت که به شخصیتی که در حال آمدن است، نگاه می‌کند. در واقع، ترجمه یونانی زبان را به گونه‌ای تغییر، he، می‌دهد که ما منتظر آمدن رؤیا نیستیم، بلکه اکنون واقعاً منتظر آمدن کسی هستیم، شخصیتی در آینده.

و سپس در آیه بعدی، حبقوق ۲ و ۴ در ترجمه هفتادگانی، اگر او عقب‌نشینی کند، جان من از او خوش نخواهد شد، اما پارسا به ایمان زیست خواهد کرد. آنچه در نسخه عبری این متن وجود داشت این است که سرزنش متکبران به عبارتی درباره آمدنی تبدیل شده است، یعنی اینکه اگر آمدنی بزودی نشان دهد، مورد رضایت خدا نخواهد بود. روشی که نویسنده عبرانیان آن را ارائه داده است با هر دو متفاوت است.

آن که می‌آید، خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. و عادل من به ایمان زیست خواهد کرد. و اگر او از من روی برگرداند، جان من از او خشنود نخواهد بود.

نویسنده‌ی عبرانیان ترتیب نیمه‌ی اول حبقوق ۲:۴ و نیمه‌ی دوم حبقوق ۲:۴ را آنطور که در نسخه‌ی هفتادگانی آمده بود، جابجا کرده است. بنابراین، اگر او عقب‌نشینی کند، دیگر نه برای آمدن مسیح، بلکه برای کسانی که منتظر نجات خدا هستند، یعنی صالحان، صدق می‌کند. کسانی که منتظر نجات و توکل و پایداری خدا هستند، زنده خواهند ماند.

عادل من به ایمان زیست خواهد کرد، در حالی که کسانی که دلشان شکست خورده، کسانی که عقب‌نشینی می‌کنند، خدا را خشنود نخواهند ساخت. این دگرگونی مستقیماً در خدمت هدف روحانی نویسنده است. متن حبقوق اکنون به ترسیم دو مسیر عمل می‌پردازد: مسیر توکل و استوار ماندن و مسیر عقب‌نشینی.

اولی به صراحت به زندگی منتهی می‌شود، در حالی که دومی توسط خدا مورد سرزنش قرار می‌گیرد، خدایی که از کسانی که از آن مسیر پیروی می‌کنند، هیچ لذتی نمی‌برد. سپس عبرانیان ۱۰ آیه ۳۹ این بخش را با ارائه

یک تضاد با استفاده از دو اصطلاح کلیدی از حقوق ۲ و ۴، یعنی عقب‌نشینی و ایمان، به پایان می‌رساند. ما از کسانی نیستیم که به سوی نابودی عقب‌نشینی می‌کنند، بلکه از کسانی هستیم که برای حفظ زندگی ایمان دارند.

جابه‌جایی دوباره‌ی نویسنده از آن دو بند در حقوق ۲ و ۴ به او اجازه می‌دهد تا بین دو گروه و خواص آنها تمایز قائل شود: کسانی که اعتماد و استحکام نشان می‌دهند و جان خود را حفظ می‌کنند، و کسانی که ترس و بی‌اعتمادی نشان می‌دهند و به دلیل عقب‌نشینی در برابر خصومت گناهکاران به شیوه‌ی نسل بیابان، به هلاکت می‌رسند. نویسنده به وضوح شنوندگان را در موقعیتی قرار می‌دهد که با گروه اول همذات‌پنداری کنند، و از همه مهم‌تر، برای جلوگیری از سرنوشت گروه دوم. در عبرانیان ۱۹:۱۰ تا ۳۹، واعظ نیروی بلاغی زیادی را در بخش بسیار متمرکزی از متن گنجانده است.

در این ۲۱ آیه، او چندین بار احساسات شنوندگان را به خود جلب کرده است. واعظ با حرکت بین اعتماد به نفس و ترس در آیات ۱۰:۱۹ تا ۲۵، کوشیده است تا شنوندگان را در مورد دسترسی‌شان به خدا مطمئن سازد، زیرا آنها به آنچه عیسی از جانب آنها برایشان انجام داده است، پایبند می‌مانند و به خوبی به آن واکنش نشان می‌دهند. واعظ این کار را به طور استراتژیک با توسل به احساس ترس در آیات ۲۶ تا ۳۱ دنبال می‌کند تا یبزاری شنوندگان را از انجام هر کاری در شرایط فعلی‌شان که نشان‌دهنده بی‌توجهی یا بی‌احترامی به ولی نعمت الهی‌شان باشد، افزایش دهد.

او این را با توسل دیگری به اعتماد به نفس در آیات ۳۲ تا ۳۶ دنبال کرده است، با توسل به نمونه گذشته خود شنوندگان، و نشان می‌دهد که آنها قبلاً کاری را انجام داده‌اند که خدا برای آن ارزش قائل است و آن را گرامی می‌دارد، و اگر آنها صرفاً به انجام آن ادامه دهند، واقعاً به پایان خوبی که خدا برای آنها وعده داده است، خواهند رسید. نویسنده همچنین این بخش را با توسل به استدلال منطقی، به ویژه تحت عناوین مزیت نسبی، عدالت و امکان‌سنجی، پر کرده است. نویسنده همچنان از شنوندگان دعوت کرده است تا گزینه‌های پیش روی خود را بسنجند و تعیین کنند که کدام یک سودمندتر خواهد بود.

او در سراسر این ۲۱ آیه از آنها می‌خواهد که به خوبی‌های ابدی و روابط سودمند ابدی که شروع به لذت بردن از آنها کرده‌اند، پایبند باشند و حاضر باشند که همچنان از خوبی‌های موقت و دوستی کسانی که خدا و پسرش را رد می‌کنند، بگذرند تا با انتخاب‌های عاقلانه در شرایط فعلی خود، به پاداش‌های ابدی دست یابند. او ملاحظات عدالت، به ویژه ملاحظات مربوط به آنچه که به کسانی که به کسی سود رسانده‌اند تعلق می‌گیرد را نیز اضافه می‌کند. بنابراین، او از شنوندگان می‌خواهد که از اقداماتی که بی‌احترامی به شریف‌ترین و قدرتمندترین موجودات کیهان یا ناسپاسی نسبت به کسانی که همه چیز خود را برای تأمین مزایای ارزشمند ابدی برای شنوندگان داده‌اند، نشان می‌دهد، اجتناب کنند.

نویسنده در ادامه ملاحظاتی در مورد امکان‌سنجی اضافه می‌کند. مخاطبان پیش از این و تحت شرایط سخت‌تر، تحمل کرده‌اند. تاریخچه خودشان نشان می‌دهد که آنها همچنان می‌توانند با حجم کار و سرمایه‌گذاری پشت سرشان، به تحمل ادامه دهند.

ادامه دادن تا انتها نمی‌تواند خیلی دشوارتر باشد. در نهایت، نویسنده در کل این متن، توجه شنوندگان را نه بر چالش‌های روزمره‌شان و آنچه ممکن است این چالش‌ها را تسهیل کند، بلکه بر چالش نهایی مواجهه، موفقیت‌آمیز با خدا در روز قیامت به عنوان چالشی با اهمیت اولیه، متمرکز کرده است. این، به نوبه خود، مسیر عملی روزمره‌ای را که باید در پیش بگیرند، به روشنی روشن می‌کند.

این بخش از موعظه نویسنده همچنین به صحبت در مورد چالش‌های خاص برای وضعیت مؤمنان در هر عصری ادامه می‌دهد. او به طور خاص اهمیت سرمایه‌گذاری روی استقامت هموعان مسیحی خود را به ما

یادآوری می‌کند. در فصل ۱۰، آیات ۲۴ تا ۲۵، او از شنوندگان می‌خواهد که از معاشرت کناره‌گیری نکنند، بلکه به سرمایه‌گذاری خود ادامه دهند، به ویژه در تشویق خواهران و برادران خود در آن معاشرت با توجه به روز آینده.

در فصل ۱۰، آیه ۳۴، او شنوندگان را به خاطر راه‌هایی که در گذشته برای یکدیگر سرمایه‌گذاری کرده‌اند ستایش می‌کند، به این امید که آنها را به ادامه‌ی عمل در آینده ترغیب کند. همه اینها در این خطبه بار دیگر به ما یادآوری می‌کند که شاگردی مسیحی نه یک موضوع خصوصی است و نه یک موضوع شخصی. شاگردان اغلب به این دلیل مغلوب می‌شوند که فشارهایی که بر علیه پشتکار آنها عمل می‌کنند و عواملی که پشتکار آنها را تحلیل می‌برد، بیشتر از توانایی درونی فردی آنها برای تحمل است.

نویسنده ما را مسئول می‌داند که در مواجهه با چنین فشارهایی، تمام تلاش خود را برای حمایت از یکدیگر به کار گیریم تا هر یک بتواند تحمل کند. این چالش فراتر از کلیساهای محلی ما، در کلیسای جهانی نیز کاربرد دارد، به ویژه کلیساهای و ملت‌هایی که همسایگان مسیحیان و اغلب دولت‌های آنها به شدت تلاش می‌کنند تا تعهد آنها به عیسی را تضعیف کنند. همانطور که در موعظه می‌خوانیم یا می‌شنویم، بیایید به یکدیگر نگاه کنیم، واقعاً به یکدیگر نگاه کنیم تا انفجاری از عشق و اعمال نیک حاصل شود.

هنگام خواندن این متن، باید نه تنها خواهران و برادران نزدیک خود، بلکه خانواده خود در کلیسای تحت آزار و اذیت، کوچکترین خواهران و برادران عیسی را نیز در نظر داشته باشیم، که مداخله به موقع ما می‌تواند پاسخی به دعا‌هایی باشد که آنها به درگاه فیض الهی فرستاده‌اند. نویسنده همچنین ما را به چالش می‌کشد تا به گونه‌ای زندگی کنیم که همیشه به حامی الهی خود و هدایای او احترام بگذاریم. پس از کسب دوستی صمیمانه با خدا و آگاهی از آنچه خدا تأیید می‌کند، اگر اجازه دهیم ترس از خصومت دنیا ما را از شهادت به آنچه عیسی برای ما انجام داده است یا از دنبال کردن هر مسیری که خدا ما را به دنبال کردن آن فراخوانده است، باز دارد، به او بی‌احترامی کرده‌ایم.

اگر به دلیل پشیمانی از دوستی از دست رفته‌مان با دنیا، در مسیر صلیب تعلل کنیم، دوباره به دهنده‌ی آن و ارزش دوستی خدا بی‌احترامی می‌کنیم. اگر شروع به این فکر کنیم که پیروی کامل از مسیح به معنای از دست دادن بیش از حد است، به امتیازات و مزایایی که پیروی از مسیح برای ما به ارمغان آورده است توجهی نشان نمی‌دهیم. در عوض، زندگی ما باید منعکس کننده‌ی ارزش والای هدیه‌ای باشد که دریافت کرده‌ایم، که به معنای پاسخ به خدا با سپاسگزاری است که قلب، ذهن، بدن و میل را در بر می‌گیرد.

اگر ما بیشتر به موفقیت یا احترام یا خردمند بودن، آنطور که این دنیا تعریف می‌کند، اهمیت می‌دهیم، اگر همچنان از قوانین آن پیروی کنیم و آرزوهای خود را بر وعده‌های آن بنا کنیم، عیسی را پایمال کرده‌ایم. اگر از گام برداشتن در آن زندگی که او ما را برای آن آزاد کرده است، امتناع ورزیم، برای خون او ارزش بسیار کمی قائل هستیم. اگر ابتدا به دنبال جلب رضایت دنیا باشیم و سپس، تا جایی که دنیا اجازه می‌دهد، از مزایای وعده داده شده خدا بهره‌مند شویم، به لطف خدا توهین کرده‌ایم.

اگر اولین فکر ما جلب رضایت همسایگان، همکاران یا همشهریانمان باشد، و اگر به دنبال زندگی مسیحی خود در چارچوب رفتارها یا کلماتی باشیم که باعث رنجش غیرمؤمنان نشود، با زندگی خود نشان می‌دهیم که رضایت چه کسی واقعاً برای ما مهم است، و به خدا توهین کرده‌ایم. اگر با وظیفه‌شناسی به هر چیز دیگری که جامعه‌مان به ما می‌گوید مهم است، توجه کنیم و سپس هر زمان، منابع و انرژی باقی‌مانده را به دغدغه‌های مذهبی اختصاص دهیم، به خدا می‌گوییم، عطایا و ندای تو در زندگی من از اهمیت درجه یک برخوردار نیستند. نویسنده عبرانیان ما را فرا می‌خواند که اجازه دهیم انتخاب‌ها، اعمال و آرزوهایمان منعکس کننده ارزش واقعی چیزها باشند و با تمام قدرت و اعتماد کامل، تعهد راسخ و ایمان خود، وعده‌های خدا را دنبال کنیم و اجازه ندهیم هیچ چیز دنیوی ما را منحرف یا به تأخیر بیندازد.

تأمل در عظمت هدایایی که از خدا دریافت کرده‌ایم، همچنین داروی قدرتمندی در برابر وسوسه فراهم می‌کند. در پرتو تطهیری که عیسی برای ما انجام داده است، دسترسی صمیمانه‌ای که با خدا داریم، دوستی روزانه روح القدس و سرنوشتی که خدا برای مؤمنان مقرر کرده است. آیا واقعاً می‌خواهیم خود را به هر گناه خاصی که در حال حاضر ما را احاطه کرده است، هر چه که باشد، تسلیم کنیم؟ آیا می‌خواهیم تلخی را به خدا، که فقط خوبی را به ما ارزانی داشته است، برگردانیم؟ این متن نشان می‌دهد که ما ارزش هدایای خدا و واکنشی را که سپاسگزاری در مواجهه با هر معضل جدی یا هنگام تأمل در عملی که اگرچه در کوتاه مدت آسان یا سودآور یا دلپذیر است، با این وجود گناه‌آلود است، می‌طلبد، بسنجیم.

ما همچنین در مواجهه با جهان خارج از کلیسا به جسارت فراخوانده می‌شویم. فشارهای زیادی وجود دارد که آزادی بیان، پاریسیا یا جسارت را به معنای واقعی آن در دولت-شهر دموکراتیک یونان، چه در مورد شهادت مسیحی و چه در مورد شاگردی، محدود می‌کند. در جهان غرب، خصوصی‌سازی دین فرهنگی را ایجاد کرده است که در آن صحبت در مورد خدا فقط در مکان‌های خاصی، کلیساها، خانه‌ها و موارد مشابه مناسب است.

سکولاریزاسیون فضایی ایجاد می‌کند که در آن مقداری سرمایه‌گذاری در امور مذهبی مناسب است، هرچند اختیاری است، اما سرمایه‌گذاری بیش از حد با سوءظن نگریسته می‌شود. ماتریالیسم، این دیدگاه که جهان ملموس، جهان اصلی است، فرهنگی را پرورش می‌دهد که در آن صحبت از دغدغه‌های دنیوی بسیار آسان‌تر و راحت‌تر است. بنابراین، آب و هوا، سیاست، فیلم‌ها و موارد مشابه، موضوعات رایج‌تری برای گفتگو هستند تا تجربیات ما از خدا در زمان دعا و مراقبه، پیشرفت ما در مبارزه با برخی گناهان و برداشت‌های ما از چالش‌ها و ندای خدا.

موانع در بسیاری از کشورهای غیر غربی بسیار دلهره‌آورتر هستند. با توجه به وجود هر یک از این موانع، کلام نویسنده عبرانیان واضح است. جسارت خود را از دست ندهید.

یا اگر هنوز جسارت خود را نشان نداده‌اید، آزادی خود را کشف کنید تا در هر جنبه از زندگی‌تان، در کلام و عمل به خدایی که شما را نجات داده و رهایی بخشیده است، شهادت دهید.